

۱۵۹

۴۸
۱۹۵۶
۱۹۵۸ - ۱۹۶۱

خواهر زاده عزیزم ظل الله علیهم و آلهم و سلم فدایت شوم سلام
 امیدوارم احوال سلامت و شادمانی سرور بد عزیزم نامه پر مهرتان رسید
 در عین حالی که بسیار غمگینم کردم و در میان همه سر اسیر و محروم و از
 گرفت و در روز خاطرات گذشته خاطرم را با لاله ساقبت و کلمه امید و یاد کنید
 به خود میانی نامه را خواندم و از سلاستی شما خوشحال شدم و متأسفانه چند روز پیش
 زنگت کشیده و تلفن نموده بودم که کمال کم لطفی که قویترین نیایم صدای پر مهر
 را شنیدم ولی باز از ترس سلاستی و ظهور عزت خود محال شدم
 از اینکه اصلاح کنیم آقا بفرمایید به لندن و پیش شما آمده خوشحال شدم و خوشی که
 خودم زنده از آن نزدیک آقا بفرمایید از آن سالی غمناک در میان از هیچ کس
 جز منی دروغ نگویم کرد امیدوارم شما و سرتان را هم به احوال بسیار بسیار
 چند سال دوری قویایم زنده احوال کنم عزیزم اگر آقا بفرمایید خدایت که بسیار
 قبل از آمدن ما را اطلاع و شنیده است تنهایی ادر احوال خود گذر خواهد بود و
 فردای ما تکلم و خوشی که آشنا خواهد شد و بتوانم نیز از کوشش خودی
 دروغ نخواهد کرد از وضع خودم نخواهد الحمد لله زندگی مستدر در دهان خانم و
 صبح کوی و دهان نهم هستیم و امیدوارم در دهان خانم خاطرات گذشته بیاوریم
 با برادر مجرد زنده شود و هیچ آباران هم در حال در راه شدن است و
 مریضی که انجام شده است تا چشم چه خواهد شد

و در سری و در غایت حوراب که توسط علی اکبر خان نوشته شده بودید و اصل شده
 و از الطاف شما به نسبت تکلم سلام ما را به آن شمس و شیرین آنگاه



۵۰
هر دو از آن بر یک بند آرزوی رسیدن شما و عجب خدا را نام فاطمه خانم از دستانتان
و این که بسیار خوشی ل شد فاطمه مددی و فرزندان آن آرزو خانم - نوری خانم - آبان
سلفی و ف نذاره بقرت فاطمه و فرزندان آن کلمی کلمی سلام کنند

در دستار شما - طوبی

۵۹ / ۱۱

خط نامه کوکب خانم و دیگر اهل خانم

نوشتن نه به یک و سلام کنند

